

جغرافیا و توسعه شماره ۳۷ زمستان ۱۳۹۳

وصول مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۴

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۱۰/۶

صفحات: ۱۳۲-۱۱۹

## ارزیابی نقش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف

### مطالعه موردی: استان همدان

سمیه لطیفی<sup>۱</sup>، دکتر حشمت اله سعدی<sup>۲</sup>، دکتر حسین شعبانعلی فمی<sup>۳</sup>

#### چکیده

تعاونی‌های فرش دستباف روستایی از مهمترین تشکلهای فعال در صنعت فرش کشور هستند که با هدف حمایت از قشر محروم و مولد قالیباف کشور و سازماندهی آنها در قالب نظام تعاون به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی در این هنر و صنعت ملی تشکیل شده‌اند و تعداد زیادی از زنان قالیباف زیر نظر این تعاونی‌ها مشغول به فعالیت هستند. با توجه به اهداف تشکیل تعاونی‌های فرش دستباف، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نقش این تعاونی‌ها در توانمندسازی زنان قالیباف استان همدان انجام شده است. بدین منظور ۲۰۲ نفر از زنان قالیباف عضو تعاونی‌های فرش دستباف استان همدان برمبنای فرمول کوکران انتخاب شدند و به منظور بررسی نقش تعاونی‌ها در توانمندسازی آنها به تعداد برابر (۲۰۲ نفر) از زنان قالیباف غیر عضو تعاونی نیز انتخاب و توانمندی دو گروه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج بدست آمده نشان داد که اختلاف معنی‌داری بین دو گروه به لحاظ توانمندی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای در سطح ۱ درصد وجود دارد و میزان توانمندی زنان قالیباف عضو تعاونی در ابعاد چهارگانه بیش از زنان قالیباف غیر عضو است. نتایج حاصل از مقایسه میانگین شاخص‌های تشکیل‌دهنده هر یک از ابعاد توانمندی نیز بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه در سطح ۱ درصد است و تنها در شاخص میزان شرکت در دوره‌های آموزشی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: زنان قالیباف، تعاونی‌های فرش دستباف روستایی، توانمندسازی، استان همدان.

## مقدمه

زنان در گستره جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنها در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیت‌ها عمدتاً در داخل خانه انجام می‌شود و جنبه‌ی تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد (نوری و علی‌محمدی، ۱۳۸۸: ۸۸). آنها به عنوان عامل مؤثر در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه نقش مهمی دارند و همواره این نیاز احساس می‌شود که می‌بایست در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه بیشتر نمایان کنند (Jackson, 2010:35).

تشکیل تعاونی‌ها یکی از راهکارهایی است که علاوه بر تسهیل دسترسی زنان به منابع تولید و افزایش درآمد آنان و خانواده‌یشان، مشارکت آنها را در فعالیت‌های جمعی مربوط به توسعه روستا تسهیل نموده و موجب ورود زنان در روند توسعه روستا، توانمند شدن آنان، افزایش درآمد خانوار روستایی و پیشرفت اقتصادی زنان روستایی می‌شود و امکان افزایش بهره‌وری کمی و کیفی آنان را فراهم می‌آورد. افزون بر آن، این مهم موجب ارج نهادن به کرامت انسانی زن در عرصه فعالیت‌های اجتماعی می‌گردد (حدادی، ۱۳۸۱: ۵۲). بطوری که با ایجاد تعاونی‌های زنان شرایط به نحوی مهیا می‌شود تا اعضا از طریق اشتغال در فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی جامعه خود، وارد زندگی نوینی که سراسر تلاش و کوشش است شوند و در تأمین و افزایش درآمد خانواده نقش مثبتی ایفا کنند.

قالیبافی یکی از فعالیت‌های اقتصادی است که اکثریت زنان چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری در این زمینه فعالیت دارند و در برخی از نقاط روستایی کشور که فعالیت‌های اقتصادی نمی‌تواند نیاز

مالی خانواده را تأمین کند، سهم عمده‌ای از درآمد خانواده از طریق صنایع دستی و به ویژه بافت فرش دستباف تأمین می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۸۰).

تعاونی‌های فرش دستباف روستایی با هدف حمایت از قشر محروم و مولد قالیباف کشور به ویژه زنان و سازماندهی آنها در قالب نظام تعاونی، به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی در این هنر و صنعت ملی تشکیل شده‌اند. این تعاونی‌ها از اشکال مهم تولید فرش دستباف در کشور هستند که اکثریت اعضا آنها را زنان روستایی تشکیل می‌دهند. بنابراین با توجه به هدف تشکیل این تعاونی‌ها، مهم‌ترین مسأله پژوهش حاضر این است که آیا تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حرفه‌ای و خانوادگی مؤثر بوده‌اند.

## مبانی نظری تحقیق

امروزه در رویکردهای توسعه، افزایش فرصت‌های عمومی و نقش‌آفرینی گروه‌های مختلف اجتماع مورد توجه قرار گرفته و توسعه‌ی پایدار یک اجتماع حاصل مشارکت همه اقشار است که در گرو توجه به نیازها و مسائل اقشار مختلف جامعه و بطور کلی توجه به توانمندی آنها می‌باشد (Chant, 1997:28). در واقع ارزش‌های اصلی توسعه‌ی پایدار را می‌باید در ارتقای کیفیت زندگی، یعنی توانمندسازی زنان و مردان در تأمین نیازهای اساسی، تلاش در جهت رفع اختلاف طبقاتی در جوامع، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتقاد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی جستجو کرد (قلی‌پور و رحیمیان، ۱۳۹۰: ۳۵).

در این میان نظریه و رویکرد توانمندسازی زنان برخاسته از طرح موضوعاتی همچون توسعه‌ی انسانی و عدالت جنسیتی است و از طریق مفاهیمی نظیر انتخاب، قدرت، کنترل بر زندگی خود و منابع، توانایی

سهیم هستند (Safakli, 2002:111-123). بر اساس تحقیق چامپکو در چین و کره‌ی جنوبی، تشکیل تعاونی‌های تولیدی رهیافتی مناسب جهت دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز تحقق عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود (Champoko, 2006: 55-59).

تعاونی‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد از کشاورزی گرفته تا صنایع دستی تشکیل می‌شوند. در این میان تعاونی‌های فرش دستباف به عنوان یکی از انواع تعاونی‌های صنایع دستی، از اشکال مهم تولید فرش دستباف در کشور هستند. این تعاونی‌ها فعالیت‌ها و اقدامات متعددی شامل تهیه و توزیع مواد اولیه، تأمین تجهیزات مورد نیاز بافندگان، نظارت و کنترل کیفی تولیدات، استاندارد نمودن مواد اولیه و ابزار کار و نیز بازاریابی و فروش فرش‌های تولیدشده را انجام می‌دهند (داره کل/مور تعاونی‌ها، ۱۳۷۴: ۹). صاحب‌نظران معتقدند تعاونی‌های فرش دستباف می‌توانند در جهت بهبود وضعیت صنعت فرش و همچنین بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه قالیباف کشور که عمدتاً زنان روستایی هستند، مثرتر باشند و به‌عنوان ابزاری در جهت بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد کم درآمد، افزایش سرمایه‌های فردی و ملی، تأمین نظارت دموکراتیک، توزیع عادلانه سود در اقتصاد و افزایش سطح درآمد ملی، بهبود شرایط و تکمیل خدمات اجتماعی، کمک به ارتقای سطح دانش عمومی و فنی اعضا عمل نمایند (صبوری خسروشاهی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۱؛ خوشفر، ۱۳۷۹: ۵۷). بنابراین می‌توان جایگاه ویژه‌ای را برای تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف روستایی در نظر گرفت.

### پیشینه تحقیق

در خصوص اثراتی که تعاونی‌ها به ویژه تعاونی‌های فرش دستباف و صنایع دستی در توانمندی اعضا دارند، نتایج پژوهش نوروژی (۱۳۸۰) نشان داد اعضا تعاونی‌ها در مقایسه با غیر اعضا درآمد بیشتری داشته و عضویت

تصمیم‌گیری و مهارت‌های زندگی و بطور کلی، از طریق اثرگذاری بر آنچه در زندگی فردی و خانوادگی اهمیت دارد، تعریف می‌شود و نتیجه آن بهبود کیفیت زندگی است (Chant, 2003:13). باتلیوالا<sup>۱</sup>، توانمندی زنان را به این صورت تعریف می‌کند: توانایی زنان برای به دست آوردن آگاهی و کنترل نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی‌شان (Menon, 2003: 20). توانمندی زنان فرایندی است که زنان طی آن برای سازماندهی خود توانمند می‌شوند، اعتماد به‌نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنها می‌شود، دفاع می‌کنند (خلوتی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). توانمندسازی می‌تواند در ابعاد مختلف تحقق یابد. پروین، توانمندسازی زنان را وابسته به‌دامنه‌ای از عوامل می‌داند که ابعاد روانی، شناختی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود (Parveen, 2007: 253). مالهوترا نیز شش بعد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، خانوادگی، قانونی - حقوقی، سیاسی و روانی را در توانمندسازی زنان مدنظر قرار می‌دهد (Malhotra, 2003:1-5).

بر اساس مطالعات انجام شده مشارکت زنان در تعاونی‌ها یکی از عوامل مؤثر در توانمندسازی آنها در ابعاد مختلف است. تعاونی‌ها ابزار مناسبی برای همکاری مردم به‌شمار می‌روند و در رسیدن به توسعه پایدار نقش مهمی ایفا می‌کنند، به‌گونه‌ای که با همفکری مردم می‌کوشند توانایی‌های آنها را در راستای توسعه هدایت کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). سافکلی معتقد است تعاونی‌ها دارای نقش مهمی در اقتصاد کشورهای جهان هستند و این وظیفه را از طریق بهبود وضعیت بازاریابی، اشتغال‌زایی و کاهش هزینه‌های تولید عملی می‌کنند و در برقراری توسعه‌ی اجتماعی، عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی نیز

در اقتصاد محلی و ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال داشته‌اند (Ventura, 1994: 80-90).

پرولیوتیس نیز طی پژوهشی در کشورهای اروپای شرقی و کشورهای حوزه بالکان به این نتیجه رسید که تشکیل تعاونی زنان در حوزه صنایع روستایی به ویژه منسوجات و زیرانداز مورد توجه سیاست‌گذاران اشتغال در این کشورها بوده و تعاونی‌های تولید منسوجات در این کشورها اشتغال زنان، ایجاد نشاط و روحیه و غیره را به همراه داشته است (Perivoliotis, 2002: 8).

نتایج پژوهش کوتسو در خصوص تعاونی‌های زنان روستایی مرتبط با صنایع دستی در یونان نشان داد این تعاونی‌ها درآمد زنان عضو را افزایش داده و در افزایش احساس رضایتمندی در آنها مؤثر بوده‌اند (Koutsou, 2003: 47). نتایج مطالعه اسیم و اومیرا در کشورهای عربی نیز نشان داد تعاونی‌های زنان روستایی ابزاری توانمند در اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی می‌باشند (Esims & Omeira, 2009: 21). جیمز و سیکوتا نیز معتقدند که اعضاء تعاونی‌های تولید در مقایسه با دیگر اعضا جامعه روستایی، جایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری دارند (James & Sykuta, 2004: 14). بررسی و تحلیل ادبیات نظری تحقیق حاکی از آن است که تحقیقات زیادی در زمینه اثرات تعاونی‌ها انجام شده است، اما در خصوص نقش تعاونی‌های فرش دستباف در توانمندسازی زنان قالیباف روستایی، مطالعه‌ای انجام نشده است. بنابراین پژوهش حاضر درصدد ارزیابی نقش این تعاونی‌ها در توانمندسازی زنان قالیباف روستایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای می‌باشد و مهم‌ترین فرضیه تحقیق این است که بین توانمندی زنان قالیباف عضو و غیر عضو تعاونی‌های فرش دستباف در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حرفه‌ای و خانوادگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

در تعاونی‌ها باعث کاهش هزینه‌های تولید آن‌ها شده است. همچنین قالیبافان عضو تعاونی از نظر دستیابی به خدمات بهداشتی و بیمه‌ای نیز از وضعیت بهتری برخوردار هستند. زنان عضو در تعاونی‌ها رضایت بیشتری از زندگی نشان می‌دهند و در کنار برخورداری از استقلال نسبی مالی، مشارکت اجتماعی گسترده‌تری نیز در جامعه دارند (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۳). نجفی‌قرقانی و حیاتی در پژوهشی نشان دادند که تعاونی‌های فرش دستباف با تأمین مواد اولیه قالیبافی، بازاریابی فرش دستباف، برگزاری کلاس‌های آموزشی، تأمین اعتبارات مورد نیاز زنان قالیباف و تأسیس کارگاه‌های قالیبافی، باعث توسعه این صنعت در شهرستان فیروزآباد شده‌اند و همچنین در ارتقاء سطح درآمد زنان، افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، افزایش خود باوری و منزلت زنان و بهبود شرایط بهداشتی کارگاه‌ها مؤثر بوده‌اند (نجفی قرقانی و حیاتی، ۱۳۸۹: ۲۷۶). نتایج پژوهش نصیری نیز نشان داد که تعاونی‌ها در زمینه بهبود شاخص‌های توسعه، بهبود الگوی مصرف، افزایش درآمد، جلوگیری از مهاجرت به شهرها، توانمندسازی معیشت و بهره‌برداری از تسهیلات و اعتبارات برای بهبود کیفیت زندگی، تعامل و اعتمادسازی میان اعضا تأثیرگذار هستند (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۲۷). بر مبنای مطالعه گلاس در بولیوی، ترقی پایگاه اجتماعی و بهبود موقعیت اقتصادی یکی از عوامل ایجاد انگیزه مشارکت زنان در تعاونی‌ها است. به طوری که اعضا این تعاونی‌ها بر سرنوشت خود کنترل بیشتری یافته‌اند و در تصمیم‌گیری‌های خانه از نفوذ مؤثرتری برخوردار شده‌اند، همچنین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در جهت آموزش فرزندان خویش را نیز بدست آورده‌اند (Glosser, 1994: 93). براساس نتایج تحقیق ونتورا در کشورهای اروپایی، تعاونی‌های صنایع دستی و خانگی، اثرات اقتصادی و اجتماعی همچون ایجاد تحرک اجتماعی در زنان عضو، افزایش درآمد خانواده، تحرک

### منطقه‌ی مورد مطالعه

استان همدان در گستره‌ای به مساحت ۱۹۴۹۱ کیلومتر مربع، در غرب ایران بین ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۴ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). این استان به عنوان یکی از مناطق تولید فرش دستباف در کشور جایگاه ویژه‌ای در صنعت مذکور دارد. تعاونی‌های فرش دستباف روستایی از جمله تشکل‌های فرش دستباف در استان هستند که تعداد زیادی از بافندگان فرش دستباف را تحت پوشش قرار داده‌اند. سابقه تشکیل این تعاونی‌ها به سال ۱۳۶۶ بر می‌گردد. در حال حاضر در استان همدان ۸ تعاونی و یک اتحادیه تعاونی‌های

فرش دستباف روستایی وجود دارد که در زمینه خدماتی- تولیدی فعالیت می‌کنند. تعداد اعضا این تعاونی‌ها ۲۳۴۳۷ نفر است که از این تعداد ۲۱۸۹۹ نفر زن و ۱۵۳۳۸ نفر مرد هستند.

روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر طبقه‌ای است، بطوری که ابتدا شهرستان‌های استان به سه طبقه‌ی برخوردار (همدان و ملایر)، نیمه‌برخوردار (کبودراهنگ، تویسرکان و بهار) و محروم (اسدآباد و نهاوند) طبقه‌بندی شدند و سپس از هر طبقه یک شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شده است. به این ترتیب شهرستان‌های همدان، نهاوند و کبودراهنگ انتخاب و میزان توانمندی زنان قالیباف عضو و غیرعضو تعاونی‌های فرش دستباف این شهرستان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است.



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های مورد مطالعه

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

### روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی به بررسی نقش تعاونی‌های فرش دستباف در توانمندسازی زنان استان همدان پرداخته است. جامعه آماری تحقیق را زنان قالیباف عضو تعاونی‌های فرش دستباف استان همدان تشکیل می‌دهند که بر مبنای فرمول کوکران ۲۰۲ نفر از آنها به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. گروه شاهد در این پژوهش زنان قالیباف

غیر عضو تعاونی‌های فرش دستباف هستند که به تعداد برابر (۲۰۲ نفر) از این گروه انتخاب شد. فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که تفاوت معنی‌داری بین زنان قالیباف عضو و غیر عضو تعاونی‌های فرش دستباف به لحاظ شاخص‌های توانمندی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حرفه‌ای و خانوادگی وجود دارد. به منظور ارزیابی توانمندی زنان قالیباف، شاخص‌های توانمندی در ابعاد مختلف استخراج شد (جدول ۱).

جدول ۱: ابعاد و شاخص‌های توانمندی زنان قالبیاف

توانمندی	شاخص	متغیرهای تشکیل‌دهنده
اقتصادی	درآمد قالبیافی	هزینه‌های تولید- قیمت فروش = درآمد
	دسترسی به تسهیلات قالبیافی	میزان دسترسی به وام و تسهیلات مبلغ وام و تسهیلات دریافتی مبلغ اقساط پرداختی کافی بودن مبلغ تسهیلات زمان و باز پرداخت وام‌ها
	دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالبیافی	دسترسی به مواد اولیه مرغوب قالبیافی دسترسی به مواد اولیه با قیمت مناسب دسترسی به ابزار قالبیافی مناسب دسترسی به دار قالبیافی مناسب میزان دسترسی به نقشه‌های بازارپسند
	آگاهی اجتماعی	آگاهی از وضعیت بازار فرش دستباف آگاهی از تکنولوژی‌های جدید قالبیافی آگاهی از طرح‌های بازار پسند فرش دستباف آگاهی از مشکلات صنعت فرش دستباف آگاهی از حمایت‌های دولت از قالبیافان
اجتماعی	تعامل اجتماعی	میزان ارتباط با کارشناسان فرش دستباف میزان ارتباط با اداره فرش سازمان بازرگانی میزان ارتباط با تشکل‌های فرش دستباف میزان ارتباط با قالبیافان آشنا
	مشارکت اجتماعی	همکاری با قالبیافان آشنا برگزاری جلسه برای حل مسائل و مشکلات قرض دادن مواد اولیه و ابزار قالبیافی کمک به بافت فرش قالبیافان آشنا
حرفه‌ای	سطح دانش تخصصی قالبیافی	نمره پاسخگو از ۱۰ سؤال تخصصی قالبیافی
	دفعات شرکت در کلاس‌های آموزشی	دفعات شرکت در کلاس‌های آموزشی
خانوادگی	رضایت از شغل قالبیافی	رضایت از درآمد حاصل از قالبیافی رضایت از محیط کارگاه قالبیاف مباهات به شغل قالبیافی
	رضایت از زندگی	احساس پیشرفت در زندگی شخصی علاقه به فعالیت‌هایی زندگی روزمره رضایت از شرایط اقتصادی زندگی فعلی رضایت از شرایط اجتماعی زندگی فعلی
	استقلال در خرج کردن درآمد	میزان استقلال در خرج کردن درآمد

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

و حرفه‌ای قالببافی و ۴۶/۵ درصد از آنها فاقد مدرک فنی و حرفه‌ای قالببافی بودند. به لحاظ وضعیت بیمه قالببافی نیز ۳۸/۹ درصد از افراد مورد مطالعه از مزایای بیمه اجتماعی قالببافان برخوردار و ۱۴ درصد در حال بیمه شدن و ۴۶ درصد نیز از مزایای بیمه محروم بودند. بررسی‌ها نشان داد که میزان رضایت شغلی اکثریت قالببافان (۳۶/۲ درصد) در حد متوسط بود و ۴/۵ درصد از آنها رضایت خیلی کم و ۱۸/۶ درصد در حد خیلی زیاد از شغل خود رضایت داشتند. همچنین نتایج بدست آمده نشان داد اکثریت قالببافان (۴۵/۳ درصد) از وضعیت زندگی خود رضایت داشتند و میزان رضایت ۷/۷ درصد از افراد در حد خیلی کم و کم بود. در مورد استقلال در خرج کردن درآمد نیز اکثریت قالببافان (۴۱/۰۹ درصد) میزان استقلال خود را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند. بررسی وضعیت درآمدی زنان از محل قالببافی نشان داد که درآمد حاصل از قالببافی زنان بین ۱۰۰ تا ۹۲۵۰۰ هزار ریال در طول یک سال متغیر بوده و به طور میانگین هر قالبباف در حدود ۴۳۲۰ هزار ریال در سال از محل قالببافی درآمد کسب می‌کند. همچنین اکثریت زنان قالبباف استان (۴۵/۳ درصد) کمتر از ۲۵۰۰ هزار ریال در سال از محل قالببافی درآمد دارند و تنها ۵ درصد درآمد بالای ۱۰۰۱۰ هزار ریال از این طریق کسب می‌کنند.

این شاخص‌ها به وسیله گویه‌های استاندارد و در قالب پرسشنامه تدوین و در اختیار افراد مورد مطالعه قرار گرفت. تمامی گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت تنظیم و روایی آنها بر مبنای آزمون آلفای کرونباخ در حدود ۸۱ صدم بدست آمد. به منظور سنجش توانمندی زنان قالبباف از روش<sup>۱</sup> (ISDM) براساس میانگین و انحراف معیار با استفاده از روابط ذیل استفاده شد و میزان توانمندی زنان قالبباف مورد ارزیابی قرار گرفت.

$$\begin{aligned} \text{Min} < A < \text{Mean} - \text{Sd} & \quad A = 1 \\ \text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean} & \quad B = 2 \\ \text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{Sd} & \quad C = 3 \\ \text{Mean} + \text{Sd} < D < \text{Max} & \quad D = 4 \end{aligned}$$

پس از مشخص شدن میزان توانمندی زنان در هر یک از ابعاد مورد بررسی، میزان توانمندی دو گروه زنان قالبباف عضو و غیر عضو تعاونی به وسیله آزمون‌های آماری، مورد مقایسه قرار گرفت.

### یافته‌های تحقیق

میانگین سن قالببافان در حدود ۴۰ سال با انحراف معیار ۱۰ سال بود. میانگین سابقه قالببافی آنها در حدود ۲۱ سال با انحراف معیار ۱۳ سال بود. سطح تحصیلات اکثریت قالببافان راهنمایی و پایین‌تر از راهنمایی و تنها ۱۲/۹ درصد از افراد مورد مطالعه تحصیلات دبیرستانی و بالاتر داشتند. نتایج نشان داد که ۵۳/۵ درصد از قالببافان دارای مدرک فنی

جدول ۲: توزیع فراوانی جامعه نمونه برحسب درآمد حاصل از قالببافی در طول یک سال (هزار ریال)

درآمد حاصل از قالببافی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۲۵۰۰ هزار ریال	۱۸۳	۴۵/۳	۴۵/۳
۲۵۰۱ - ۵۰۰۰	۱۲۴	۳۰/۷	۷۶/۰
۵۰۰۱ - ۷۵۰۰	۵۳	۱۳/۱	۸۹/۱
۷۵۰۱ - ۱۰۰۰۰	۲۴	۵/۹	۹۵/۰
بیشتر از ۱۰۰۱۰	۲۰	۵	۱۰۰
جمع	۴۰۴	۱۰۰	--
میانگین: ۴۳۲۰	انحراف معیار: ۷۲۶۹	کمینه: ۱۰۰	بیشینه: ۹۲۵۰۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

سطح دانش تخصصی زنان قالبیاف استان در وضعیت مناسبی قرار دارد. به طوری که سطح دانش تخصصی ۸۸/۳ درصد از زنان قالبیاف در حد متوسط به بالا بود.

به منظور سنجش سطح دانش و آگاهی تخصصی قالبیافان، ۱۰ سؤال تخصصی در خصوص حرفه قالبیافی از افراد پرسیده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که

جدول ۳: توزیع فراوانی جامعه نمونه برحسب سطح دانش تخصصی

سطح دانش تخصصی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نامناسب	۴۴	۱۱/۳	۱۱/۳
متوسط	۱۳۱	۳۳/۸	۴۵/۱
مناسب	۱۵۶	۴۰/۲	۸۵/۳
خیلی مناسب	۵۷	۱۴/۷	۱۰۰
جمع	۳۸۸	۱۰۰	--
میانگین: ۶/۵۸	انحراف معیار: ۱/۷۸	کمینه: ۰	بیشینه: ۱۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

قالبیافان در حدود ۶۸ ساعت با انحراف معیار ۴۷ ساعت در دوره‌های آموزشی شرکت داشته‌اند. اکثریت آنها (۴۸/۸ درصد) نیز کمتر از ۵۰ ساعت در دوره‌های آموزشی شرکت کرده‌اند.

طبق نتایج بدست آمده ۱۶۰ نفر از قالبیافان مورد مطالعه در دوره‌های آموزشی شرکت داشته‌اند و مدت زمان شرکت در دوره آموزشی این قالبیافان بین ۴ تا ۲۰۰ ساعت متغیر بوده و به طور میانگین هر یک از

جدول ۴: توزیع فراوانی جامعه نمونه برحسب مدت زمان شرکت در دوره آموزشی

مدت زمان شرکت در دوره آموزشی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۵۰ ساعت	۷۸	۴۸/۸	۴۸/۸
۵۱ - ۱۰۰	۴۶	۲۸/۸	۷۷/۵
۱۰۱ - ۱۵۰	۲۹	۱۸/۱	۹۵/۶
بیشتر از ۱۵۱ ساعت	۷	۴/۴	۱۰۰
جمع	۱۶۰	۱۰۰	--
میانگین: ۶۸/۷۶	انحراف معیار: ۴۷/۴۹	کمینه: ۴	بیشینه: ۲۰۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

میزان دسترسی به ابزار قالبیافی با میانگین ۳/۶۷ در اولویت اول و میزان دسترسی به نقشه‌های جدید با میانگین ۳ در اولویت آخر قرار گرفت. به عبارتی میزان دسترسی زنان قالبیاف به ابزار قالبیافی در مقایسه با نقشه‌های جدید فرش دستباف بیشتر است.

نتایج بررسی شاخص تعامل اجتماعی نشان داد بیشترین ارتباط زنان قالبیاف با قالبیافان آشنای خود و کمترین ارتباط آنها نیز با اداره‌ی فرش سازمان

جدول ۵ شاخص‌های توانمندی زنان و متغیرهای تشکیل‌دهنده آنها را نشان می‌دهد. طبق نتایج بدست آمده در خصوص شاخص دسترسی به تسهیلات قالبیافی و رضایت از آن، بیشترین رضایت قالبیافان از مبلغ وام‌های دریافتی است. به لحاظ میزان دسترسی به تسهیلات، قالبیافان میزان دسترسی خود را به تسهیلات در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به لحاظ شاخص دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالبیافی نیز



آگاهی اجتماعی، بیشترین آگاهی زنان قالیباف از حمایت‌های دولت از قالیبافان و کمترین آگاهی آنها نیز در خصوص تکنولوژی‌های جدید قالیبافی است.

بازرگانی است. به لحاظ مشارکت و همکاری، بیشترین همکاری در زمینه کمک به بافت فرش قالیبافان دیگر و کمترین همکاری نیز در زمینه تشکیل جلساتی برای حل مسائل و مشکلات خود می‌باشد. در خصوص

جدول ۵: اولویت‌بندی متغیرهای تشکیل دهنده هر شاخص

اولویت	انحراف معیار	میانگین	متغیرها	شاخص
۱	۰/۸۹۸	۳/۵۴	رضایت از مبلغ اقساط پرداختی	دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی
۲	۰/۹۷۲	۳/۴۲	رضایت از مبلغ وام دریافتی	
۳	۱/۰۵۵	۳/۴۲	کافی بودن مبلغ وام برای فعالیت قالیبافی	
۴	۰/۹۷۰	۳/۳۹	رضایت از نحوه باز پرداخت اقساط	
۵	۰/۸۷۳	۲/۹۰	میزان دسترسی به وام و تسهیلات	
۱	۰/۸۵۷	۳/۶۷	میزان دسترسی به ابزار قالیبافی مناسب	دسترسی به مواد اولیه و ابزار و وسایل قالیبافی
۲	۰/۸۹۶	۳/۶۵	میزان دسترسی به مواد اولیه مرغوب	
۳	۰/۹۲۲	۳/۵۲	میزان دسترسی به دار قالیبافی مناسب	
۴	۰/۹۲۵	۳/۲۱	دسترسی به مواد اولیه با قیمت مناسب	
۵	۰/۹۶۸	۳/۰۰	میزان دسترسی به نقشه‌های جدید فرش	
۱	۱/۰۲۱	۳/۳۰	میزان همکاری با قالیبافان آشنا	میزان تعامل اجتماعی
۲	۱/۰۸۱	۲/۸۴	میزان ارتباط با کارشناسان فرش دستباف	
۳	۱/۰۸۰	۲/۸۳	میزان ارتباط با تشکلهای فرش دستباف	
۴	۱/۰۲۹	۲/۰۴	میزان ارتباط با اداره فرش سازمان	
۱	۰/۹۷۲	۳/۲۹	میزان کمک به بافت فرش قالیبافان دیگر	میزان مشارکت اجتماعی
۲	۱/۰۰۳	۳/۲۹	میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی	
۳	۰/۹۹۷	۲/۳۲	میزان برگزاری جلسه بر حل مشکلات	
۴	۰/۹۹۴	۳/۲۸	قرض دادن مواد اولیه و ابزار قالیبافی	
۱	۱/۰۸۴	۲/۸۲	آگاهی از حمایت‌های دولت از قالیبافان	میزان آگاهی اجتماعی
۲	۰/۹۷۶	۲/۷۳	آگاهی از طرح‌ها و نقشه‌های بازار پسند	
۳	۰/۹۹۵	۲/۷۲	آگاهی از وضعیت بازار فرش دستباف	
۴	۰/۹۶۱	۲/۶۹	آگاهی از مشکلات صنعت فرش دستباف	
۵	۰/۹۲۵	۲/۳۳	آگاهی از تکنولوژی‌های جدید قالیبافی	

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

### توانمندی زنان قالیباف

همانطور که اشاره شد به منظور بررسی میزان توانمندی زنان قالیباف در هر یک از ابعاد، از روش (ISDM) جهت امتیازدهی به هر یک از شاخص‌ها استفاده شد و سپس با حاصل جمع امتیازها، میزان

توانمندی زنان قالیباف در هر یک از ابعاد مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که در بعد اقتصادی امتیاز توانمندی زنان قالیباف عضو تعاونی فرش دستباف بطور میانگین در حدود ۸/۷۸ از انحراف معیار ۲/۶۷ بوده است. این در حالی است که بررسی‌ها

نشان داد که میانگین امتیاز توانمندی زنان قالیباف غیرعضو به لحاظ اقتصادی ۶/۳۲ با انحراف معیار ۱/۹۲ می‌باشد. به عبارتی زنان قالیباف عضو تعاونی فرش دستباف در سطح توانمندی بالاتری در مقایسه با زنان قالیباف غیرعضو قرار داشتند.

در بُعد اجتماعی میانگین امتیاز توانمندی زنان قالیباف عضو ۸/۵۹ با انحراف معیار ۲ و در مورد گروه زنان قالیباف غیرعضو میانگین امتیاز توانمندی ۵/۹۹ با انحراف معیار ۱/۸۹ بود. در بُعد خانوادگی، میانگین امتیاز توانمندی زنان قالیباف عضو تعاونی ۸/۳۴ با

انحراف معیار ۱/۴۷ و میانگین امتیاز توانمندی زنان قالیباف غیرعضو تعاونی ۷/۱۷ با انحراف معیار ۱/۸۷ بود. در بُعد حرفه‌ای میانگین امتیاز توانمندی زنان قالیباف ۴/۲۰ با انحراف معیار ۱/۵۳ می‌باشد. این در حالی است که در گروه زنان قالیباف غیرعضو تعاونی میانگین امتیاز توانمندی ۲/۹۴ با انحراف معیار ۱/۴۴ بود. در مجموع با توجه به نتایج بدست آمده، میانگین امتیاز توانمندی زنان قالیباف عضو تعاونی فرش دستباف در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای بیشتر از زنان قالیباف غیرعضو تعاونی است.

جدول ۶: میزان توانمندی زنان قالیباف عضو و غیرعضو تعاونی‌های فرش دستباف در ابعاد مختلف

بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	بعد	
۱۶	۳	۲/۶۷	۸/۷۸	اقتصادی	زنان قالیباف عضو تعاونی
۱۲	۴	۲/۰۰	۸/۵۹	اجتماعی	
۱۲	۴	۱/۴۷	۸/۳۴	خانوادگی	
۸	۱	۱/۵۳	۴/۲۰	حرفه‌ای	
بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	بعد	
۱۳	۳	۱/۹۲	۶/۳۲	اقتصادی	زنان قالیباف غیرعضو تعاونی
۱۲	۳	۱/۸۹	۵/۹۹	اجتماعی	
۱۲	۳	۱/۸۷	۷/۱۷	خانوادگی	
۷	۱	۱/۴۴	۲/۹۴	حرفه‌ای	

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

تفاوت معنی‌دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و میانگین امتیاز توانمندی زنان قالیباف عضو بیشتر از زنان قالیباف غیرعضو است. در مورد میزان توانمندی اجتماعی نیز بین دو گروه تفاوت معنی‌دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و امتیاز توانمندی اجتماعی زنان قالیباف عضو در مقایسه با زنان قالیباف غیرعضو بیشتر است. به لحاظ توانمندی خانوادگی نیز تفاوت معنی‌دار در سطح ۱ درصد بین دو گروه وجود دارد و در این زمینه نیز میانگین امتیاز زنان قالیباف عضو بیشتر است. در خصوص توانمندی حرفه‌ای نیز تفاوت معنی‌دار بین دو گروه در سطح ۱ درصد وجود دارد و میزان

تعاونی‌های فرش دستباف به عنوان محیطی اجتماعی، زمینه مشارکت زنان قالیباف در متن جامعه و بیرون از خانه را برای آنها فراهم کرده و به نوعی باعث توانمندی اعضاء در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، حرفه‌ای و خانوادگی می‌شوند. بنابراین به منظور بررسی نقش تعاونی‌های فرش دستباف در توانمندسازی زنان قالیباف، میزان توانمندی دو گروه زنان قالیباف عضو و غیرعضو تعاونی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای با استفاده از آزمون t مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که بین دو گروه مورد بررسی به لحاظ میزان توانمندی اقتصادی

تعاونی‌های زنان ابزاری توانمند در اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی زنان هستند و اعضا تعاونی‌ها در مقایسه با دیگر اعضا جامعه روستایی، جایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری دارند (James & Sykuta, 2004: 14; Esim s. & Omeira, 2009: 21).

توانمندی حرفه‌ای زنان قالیباف عضو بیشتر از زنان قالیباف غیرعضو است. در مجموع می‌توان گفت عضویت در تعاونی‌ها و برخورداری از خدمات ارائه شده توسط تعاونی‌ها نقش مؤثری در افزایش توانمندی زنان قالیباف در ابعاد مختلف داشته است. نتایج مطالعات جیمز و سیکوتا و اسیم و اومیرا نیز بیانگر آن است که

جدول ۷: نتایج حاصل از مقایسه میانگین ابعاد مختلف توانمندی زنان قالیباف

Sig	مقدار آماره	آزمون	میانگین توانمندی قالیبافان		مؤلفه های توانمندی
			غیر عضو	عضو	
۰/۰۰۱	۱۰/۵۶۴ **	آزمون t	۶/۳۲	۸/۷۸	توانمندی اقتصادی
۰/۰۰۰	۱۳/۲۹۰ **	آزمون t	۵/۹۹	۸/۵۹	توانمندی اجتماعی
۰/۰۰۰	۶/۹۶۳ **	آزمون t	۷/۱۷	۸/۳۴	توانمندی خانوادگی
۰/۰۰۲	۸/۵۱۷ **	آزمون t	۲/۹۴	۴/۲۰	توانمندی حرفه‌ای

\*\* معنی‌داری در سطح ۱ درصد

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

نتایج بدست آمده در خصوص این سه شاخص، زنان قالیباف عضو در مقایسه با زنان غیرعضو تعاونی‌ها در وضعیت بهتری قرار دارند. نصیری نیز به این نتیجه رسید که تعاونی‌ها در بهبود تعامل و اعتمادسازی میان اعضا مؤثر هستند (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۲۷). به منظور بررسی نقش تعاونی‌ها در توانمندسازی حرفه‌ای زنان قالیباف از دو شاخص سطح دانش تخصصی و میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی استفاده شده است، چرا که آموزش نقش مهمی در توانمندسازی حرفه‌ای افراد دارد. بطوری که لپی‌تو آموزش را از نیازهای اساسی زنان دانسته و آن را یکی از اجزای بحرانی توانمندسازی قلمداد می‌کند (Lephoto, 1995: 5-13). نتایج بدست آمده نشان داد که بین زنان قالیباف عضو و غیرعضو تعاونی‌های فرش دستباف از نظر سطح دانش تخصصی تفاوت معنی‌دار در سطح ۱ درصد وجود دارد. به طوری که سطح دانش تخصصی زنان قالیباف عضو نسبت به زنان قالیباف غیرعضو بیشتر است. در مورد شاخص میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی، تفاوت معنی‌دار بین دو گروه وجود نداشت. به عبارتی این امکان برای

به منظور بررسی نقش تعاونی‌ها در توانمندسازی اقتصادی زنان قالیباف، دو گروه قالیبافان عضو و غیرعضو تعاونی‌های فرش دستباف به لحاظ شاخص‌های توانمندی اقتصادی، نیز مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد در تمامی شاخص‌های مربوط به بعد اقتصادی توانمندی، تفاوت معنی‌دار بین قالیبافان عضو تعاونی‌های فرش دستباف و قالیبافان غیرعضو وجود دارد. به بیان دیگر، عضویت در تعاونی با بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی تأثیر مهمی در توانمندسازی اقتصادی زنان قالیباف عضو داشته است. نجفی قرقانی و حیاتی نیز به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌ها با تأمین مواد اولیه قالیبافی، بازاریابی فرش دستباف و تأمین اعتبارات مورد نیاز زنان قالیباف، نقش مهمی در توانمندسازی زنان دارند (نجفی قرقانی و حیاتی، ۱۳۸۸: ۲۷۶). نتایج حاصل از مقایسه میانگین شاخص‌های توانمندی اجتماعی زنان عضو و غیرعضو تعاونی‌های فرش دستباف نشان داد که تفاوت معنی‌دار بین دو گروه به لحاظ شاخص سطح آگاهی اجتماعی، میزان تعامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی در سطح ۱ درصد وجود دارد و طبق

در سطح ۱ درصد وجود دارد و زنان قالیباف عضو در مقایسه با زنان قالیباف غیرعضو از وضعیت بهتری در این خصوص برخوردار هستند و عضویت در تعاونی‌ها با بهبود وضعیت شاخص‌های تشکیل دهنده این بعد، تأثیر معنی‌دار در توانمندی زنان قالیباف داشته است. نتایج بدست آمده از این تحقیق با نتایج کوتسو در خصوص نقش تعاونی‌ها در افزایش میزان رضامندی از کار و زندگی همخوانی دارد (Koutsou, 2003:47).

زنان قالیباف غیرعضو نیز فراهم است که در دوره‌های آموزشی که تعاونی‌ها برگزار می‌کنند، شرکت کرده و دانش و مهارت حرفه‌ای خود را افزایش دهند. رضایت از شغل قالیبافی، رضایت از وضعیت زندگی و میزان استقلال در خرج درآمد از جمله شاخص‌های بودند که به‌منظور بررسی نقش تعاونی‌ها در توانمندسازی خانوادگی زنان قالیباف مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین دو گروه از نظر هر سه شاخص تشکیل‌دهنده بعد خانوادگی توانمندی، تفاوت معنی‌دار

جدول ۸: نتایج حاصل از مقایسه میانگین شاخص‌های توانمندی زنان قالیباف در ابعاد مختلف

Sig	مقدار آماره	آزمون	میانگین قالیبافان		شاخص‌های توانمندی
			غیر عضو	عضو	
۰/۰۰۰	۴/۰۳ **	آزمون t	۲۸۹۰	۵۷۵۰	میزان درآمد (هزار ریال)
۰/۰۰۰	۱۶۵/۵۰ **	من‌ویت‌نی	۱۹/۳۲	۴۷/۱۴	دسترسی به وام و تسهیلات
۰/۰۰۰	۹۰۸۹ **	من‌ویت‌نی	۱۴۶/۵۰	۲۵۷/۰۶	دسترسی به مواد اولیه و ابزار کار
۰/۰۰۰	۶۷۳۶ **	من‌ویت‌نی	۱۳۴/۵۱	۲۶۹/۱۶	آگاهی اجتماعی
۰/۰۰۰	۸۲۰۳ **	من‌ویت‌نی	۱۴۲/۱۱	۲۶۲/۱۹	تعامل اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۳۲۴۰ **	من‌ویت‌نی	۱۶۷/۰۴	۲۳۵/۴۷	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۴۸۴۰ **	من‌ویت‌نی	۱۷۴/۹۸	۲۲۹/۱۵	رضایت از شغل
۰/۰۰۰	۱۳۹۵۰ **	من‌ویت‌نی	۱۷۰/۵۵	۲۳۴/۴۵	رضایت از زندگی
۰/۰۰۲	۱۶۶۳۰ **	من‌ویت‌نی	۱۸۲/۶۳	۲۱۸/۲۹	استقلال در خرج درآمد
۰/۰۰۰	۵/۷۴۰ **	آزمون t	۶/۱۰	۷/۱۰	دانش تخصصی
۰/۸۹۵	-۰/۱۳۲	آزمون t	۶۹/۵۶	۶۸/۴۵	شرکت در دوره‌های آموزشی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

## نتیجه

و حرفه‌ای بیشتر از زنان قالیباف غیرعضو است. بطوری‌که نتایج حاصل از مقایسه میانگین دو گروه در ابعاد مختلف نشان داد که تفاوت معنی‌داری در سطح ۱ درصد بین دو گروه در هر چهار بعد توانمندی وجود دارد و زنان قالیباف عضو در مقایسه با زنان قالیباف غیر عضو از سطح توانمندی بالاتری برخوردار هستند. همچنین نتایج حاصل از مقایسه میانگین دو گروه زنان قالیباف عضو و غیرعضو تعاونی‌ها، در هر یک از شاخص‌های تشکیل‌دهنده ابعاد مختلف توانمندی

تعاونی‌های فرش‌دستباف روستایی از جمله تشکل‌های فعال در صنعت فرش دستباف هستند که اکثریت زنان قالیباف روستایی زیر نظر این تشکل‌ها فعالیت می‌کنند. این تعاونی‌ها به‌عنوان تشکلی اجتماعی-اقتصادی اثرات زیادی در ابعاد مختلف به‌همراه داشته‌اند، توانمندسازی زنان قالیباف یکی از پیامدهای مهم این تعاونی‌ها می‌باشد. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داد که میزان توانمندی زنان قالیباف عضو تعاونی‌های فرش دستباف در ابعاد چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی

## منابع

- نشان داد که اختلاف معنی‌دار بین دو گروه از نظر شاخص‌های میزان درآمد، دسترسی به وام و تسهیلات و دسترسی به مواد اولیه و ابزار کار وجود دارد. به بیان دیگر، عضویت در تعاونی با بهبود شاخص‌های ذکر شده سبب توانمندی زنان قالیباف در بعد اقتصادی شده است. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های نصیری (۱۳۸۹)، نجفی‌قرقانی و حیاتی (۱۳۸۸)، ونتورا (۱۹۹۴) و کوتسو (۲۰۰۳) مبنی بر نقش تعاونی‌ها در افزایش تولید، درآمد و دسترسی به وام و تسهیلات همخوانی دارد. در خصوص شاخص‌های تشکیل‌دهنده بعد اجتماعی توانمندی نیز بین دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی‌ها تفاوت معنی‌دار در سطح ۱ درصد وجود دارد. بطوری که زنان قالیبافان عضو در وضعیت بهتری نسبت به قالیبافان غیرعضو قرار داشتند. نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های نصیری (۱۳۸۹)، نجفی‌قرقانی و حیاتی (۱۳۸۸) و ونتورا (۱۹۹۴) همخوانی دارد. در حقیقت عضویت در تعاونی با بهبود وضعیت شاخص‌های تشکیل‌دهنده بعد اجتماعی زمینه توانمندی زنان قالیباف را در این بعد فراهم کرده است. همچنین بین رضایت از شغل قالیبافی، رضایت از زندگی، استقلال در خرج درآمد، که شاخص‌های تشکیل‌دهنده بعد توانمندی خانوادگی هستند نیز تفاوت معنی‌دار بین دو گروه وجود داشت. در خصوص سطح دانش تخصصی در زمینه‌ی قالیبافی نیز که یکی از شاخص‌های تشکیل‌دهنده‌ی توانمندی حرفه‌ای زنان قالیباف است نیز تفاوت معنی‌دار در سطح ۱ درصد وجود داشت و تنها از نظر میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی تفاوت معنی‌دار بین دو گروه وجود نداشت. در مجموع با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت عضویت زنان قالیباف در تعاونی‌های فرش‌دستباف نقش مهمی در افزایش توانمندی حرفه‌ای آنها داشته است.
- اداره کل امور تعاونی‌های تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (۱۳۷۴). نقش تعاونی‌های فرش دستباف در اقتصاد کشور. تعاون. شماره ۴۳.
- حدادی، سولماز (۱۳۸۱). تعاون راهکاری مناسب برای توانمندسازی زنان روستایی، مجله تعاون. شماره ۱۳۸.
- خلوتی، ملیحه (۱۳۸۸). بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز ۱۳۸۶، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی. سال دوم. شماره چهارم.
- خوشفر، غلامرضا (۱۳۷۹). مسائل و مشکلات تعاونی‌های فرش دستباف در استان مازندران، مجله تعاون. شماره ۱۰۶.
- سلطانی، مرجانه (۱۳۸۱). تعاون در جهان. تعاون، شماره ۱۳۵.
- صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۰). تحقیق پیرامون تأثیر عملکرد تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در کیفیت و کمیت تولید فرش (فاز اول: آذربایجان شرقی- کردستان- همدان). طرح پژوهشی، مرکز ملی فرش ایران.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۳). نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی: مطالعه موردی شهرستان مشکین‌شهر، پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۴۹.
- قلی‌پور، آرین؛ اشرف رحیمیان (۱۳۹۰). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره ۱۱. شماره ۴۰.
- نجفی‌قرقانی، زیبا؛ داریوش حیاتی (۱۳۸۸). بررسی کارکردهای شرکت تعاونی فرش دستباف در توانمندسازی زنان قالیباف: مطالعه موردی شهرستان فیروزآباد فارس، مجموعه مقالات سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی. ۱۱ و ۱۲ اسفند. دانشگاه فردوسی مشهد.
- نصیری، اسماعیل (۱۳۸۹). آثار تشکیل تعاونی‌های تولید کشاورزی بر بهبود شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا: مطالعه موردی روستاهای شهرستان زنجان، روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳.

- Jackson, M. (2010). "Empowering Women of Nepal: An Experience of Empowerment in the Land of the Himalaya". M.A Thesis, Prescott College in Adventure Education.
- James, H.S., & Sykuta, M.E. (2004). "Farmer trust in Agricultural Cooperatives: Evidence from Missouri corn and Soybean producers". Paper prepared for presentation at the American Agricultural Economics Association meetings, in Denver. Colorado.
- Koutsou, S & et al (2003). "Women's Cooperative in Greece". Journal of Rural cooperation. Vol.31, No.1.
- Lephoto, H. M (1995). Educating Women for Improvement in Lesotho, Convergence (Toronto). (From Rural Development Abstracts, 1996, 19(2), Abstract No. 609). Vol. 28, No.3.
- Malhotra, A (2003) "Conceptualizing and Measuring Women's Empowerment as A Variable in International Development". Paper was presented at the Workshop on "Measuring Empowerment: Cross-Disciplinary Perspectives.
- Menon, L. (2003). Organization Strategies in Women's Health: an Information and Action Hand Book. Manila: Isis International.
- Parveen, Sh. (2007). "Gender Awareness of Rural Women in Bangladesh". Journal of International Women's Studies, Vol. 9, No.1.
- Perivoliotis, M.C. (2002). "Textile Production Within a Co-operative Applied to European Rural Women". FIBRES & TEXTILE in Eastern Europe.
- Safakli, O (2002). Impacts of Cyprus European union integration on Turkish Cypriot cooperatives with emphasis on the financial sector of cooperatives". Dogus universitesi Dergisi, Vol.6.
- Ventura, F. (1994). "Women in Italian Agriculture: New Problems" in van der Plas, L. and Fonte, M. (eds.) Rural Gender Studies in Europe. The Netherlands: Van Gorcum.
- نوروزی، مصطفی (۱۳۸۰). مطالعه تطبیقی اثرات تعاونی‌های فرش دستباف روستایی بر بعضی از خصوصیات اقتصادی اجتماعی اعضاء (مطالعه موردی استان قم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده کشاورزی. دانشگاه صنعتی اصفهان.
- نوری، سیده‌هدایت‌اله؛ نرگس علی‌محمدی (۱۳۸۸). تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه برآن - شهرستان اصفهان)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره ۲.
- هاشمی، مریم (۱۳۷۴). نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی قالیباف، فصلنامه مرکز مطالعات برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی ویژه‌نامه زنان در کشاورزی. سال سوم.
- Champoko, N (2006). "Cooperatives Group Work". Cambridge: Harvard University.
- Chant, S. (1997). Women-headed households: Poorest of the Poor? Perspectives from Mexico, Costa Rica and the Philippines. IDS Bulletin 28. Volume 28, Issue 3, pages 26-48, July 1997.
- Chant, S. (2003). New contributions to the analysis of poverty: methodological and conceptual challenges to understanding poverty from a gender perspective. Santiago: CEPAL U.N., Women and Development Unit..
- Esim s. & Omeira. M (2009). "Rural women producers and cooperatives in conflicts settings in the Arab States". The FAO- IFAD- ILO Workshop on Gaps, trends and current research in gender dimensions of agricultural and rural employment: differentiated pathways out of poverty, Rome, 31 March- 2 April 2009.
- Glosser, A. (1994). "The creation of Barcosol in Bolivia". The New World of Micro enterprise finance: Building Healthy financial Institutions for the poor. West Harford, CT: Kumarian press.